

ایسکرا می پرسد

صفحه ۲

عاقبت جماعت
انشعابی از کومه له

صفحه ۳

دور تازه‌های از
تحرك کارگران

صفحه ۳

سالروز بمباران
شیمیائی حلبجه

صفحه ۴

رادیو انترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

۴۱ متر برابر با
۷۵۲۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۸۱ ۶۹۱ ۱۰۹۹

مرکز اطلاعات و پیامگیر

۰۰۴۴ ۲۰۸ ۹۶۲ ۲۷۰۷

ایسکرا

سرپریر: ایرج فرزاد

iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۳۶۸۸۵۱۱

فکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S

Box 15203

104 65 Stockholm

پست گيرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

نوروزتان پیروز!

۲۲ سال است درایران برگزاری مراسم جشن و شادی مثل نوروز و چهارشنبه سوری و حتی جشن عروسی و مهمانی و پارتی و خلاصه نفس شادی کردن، رقصیدن و خندیدن و گوش دادن به موسیقی شاد و داشتن ستلایت و دیدن فیلم و ... باید برایش مبارزه کرد. باید به خاطر آن با پلیس جمهوری اسلامی درگیر شد.

شادی کردن بدون دخالت عوامل رژیم ممکن نیست. بخندی، برقصی، آواز بخوانی، لباس قشنگ بپوشی، مهمانی بدهی و جشن برپا کنی، عروسی کنی، جمهوری اسلامی میرنجد و ناراحت میشود و دخالت میکند. در سنت و ایدئولوژی رژیم اسلامی ایران هیچ شب و روز شادی وجود ندارد. شادی ممنوع است و هر چه هست نوحه‌خوانی و عزا است و موعظه مرگ و رنج این دنیا و عذاب جهنم و بدبختی است. در ایران داشتن یک زندگی عادی و نرمال و شاد جزئی از مبارزه مردم است. باید برایش مبارزه کرد تا بتوان شادی کرد، جشن گرفت و رقصید و خندید.

در دنیای متمدن و مدرن جشن و مراسم شادی چون نوروز و چهارشنبه سوری و پارتی و رقص



مظفر محمدی

و عروسی و غیره هیچ ربطی به سیاست و رژیم ها ندارد. دخالت رژیم اسلامی در زندگی مردم تا حدی است که حتی نفس شادی کردن و جشن گرفتن را سیاسی میکند و مخالفت رژیم مقاومت مردم را بدنبال دارد.

نوروز امسال جمهوری اسلامی دو کار میکند: یکی، تا بتواند و زورش برسد مخالفت میکند و جلو مراسم و جشن هارا میگیرد و مردم و جوانان را اذیت میکند. اگر مردم زیاد باشند و جشنها و جمعیتها زیاد باشند دیگر زورش نمیرسد و شادی مردم به او تحمیل میشود.

دوم، رژیم از طریق عناصر و عواملش بخصوص در کردستان با استفاده از ناسیونالیستها سعی میکند چهارشنبه سوری و نوروز را به جشنها و مراسم ملی و کردی و ناسیونالیستی تبدیل کند. این برای ج.ا کم ضررتر است. متأسفانه زمینه این دخالت‌های ناسیونالیستی و رنگ و بوی قومی و ملی



نسان نودینیان

در ۲۱ اسفند شورایی عالی کار جمهوری اسلامی حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۳۸۰ را ۵۷ هزار تومان در ماه اعلام

دادن به جشنها و مراسمهای مردم وجود دارد. نوروز پارسال مریوان و دخالت شورای شهرو بلند کردن پرچم کردستان و شعارها و حتی آواز و موسیقی و علائم دیگر آن یک نمونه است.

ناسیونالیسم ایرانی و ناسیونالیسم کرد همیشه سعی کرده‌اند سنتها و مراسم و جشنهای شادی مردم را به تاریخ و ملت و قوم و طایفه و حتی مذهب ربط بدهند و برایش سخنرانی کنند، شعر بخوانند و آواز و آهنگ درست کنند. از قبیل اینکه جشن کرد است یا جشن فارس است. معلوم نیست چرا جشن ترک و عرب و لر و ... نیست.

اما برای ما مردم چهارشنبه‌سوریه‌ها و نوروزها فقط روزهای جشن و شادی است. نوروز روز اول سال نو است. مثل سال نو در اروپا و امریکا و خاورمیانه که هیچ رنگ و بوی ملی و مذهبی ندارد. مردم جشن میگیرند، آتش بازی میکنند، میرقصند، میخوانند، مشروب میخورند و شادی میکنند.

سال نو در ایران هم به ج.ا، به مذهب، به ناسیونالیسم فارس و کرد به شورای شهر و نماینده مجلس اسلامی، به ادبای ناسیونالیست کرد و فارس، به پرچم پ.ک.ک، به ۲ خرداد و به هیچ ارگان دولتی ربطی ندارد. روز شادی مردم است. روز شادی

کرده است. حقوق ماهانه ۵۷ هزار تومان در ماه، با توجه به نرخ ارز در بودجه سال ۸۰ (نرخ رسمی ارز ۷۹۰ تومان است)، یعنی چیزی در حدود ۳ دلار در روز!!!

در شرایط کنونی حداقل دستمزد کارگران در ماه ۴۳ هزار تومان است. افزایش چیزی در حدود ۳۰ درصد دستمزدها در سال ۸۰، «۵۷ هزار تومان»، یعنی پرتاب میلیونها خانواده کارگری به فقر مشکلات اقتصادی و تامین معیشت روزانه، یعنی

جوانان و کودکان است. اما در رژیم اسلامی ایران باید تمام محدودیتها را کنار زد تا بتوان این کارهای عادی و طبیعی را انجام داد. تا بتوان جشن گرفت، آتش بازی کرد، شادی کرد، رقصید، لباس قشنگ پوشید و ...

برای اینکه نوروز امسال مردم بتوانند این کارها را انجام بدهند:

۱_ باید تجمعیهای بزرگ تشکیل داد. اگر هزاران نفر در جایی جمع شوند مثلاً در محله‌ای یا در میدان شهر و در هر جایی، امکان دخالت نیروها و عوامل رژیم به صفر میرسد. هر کجا

صفحه ۲

رادیو انترناسیونال

(بخش کردی)

روزهای پنجشنبه هر هفته

از ساعت ۶ و نیم تا ۷ و نیم

بعد از ظهر به وقت تهران

موج کوتاه ردیف ۳۱ متر

برابر با ۹۴۵۰ کیلوهرتز.

اینکه خانواده‌های کارگران از تامین معیشت، بهداشت، تغذیه سالم گوشت و میوه و امکانات ابتدایی تامین زندگی انسانی محروم شده‌اند. یعنی محروم شدن میلیونها خانواده کارگری از لباس و پوشاک مناسب، دارو و امکانات پزشکی امروزی، محرومیت از سینما و تئاتر و تفریح و پیک نیک و امکاناتی که بتوان با آن زندگی روزانه را با ترمیم کرد تا روز بعد بعنوان نیروی سرمایه برایشان کار کرد.

بقول بانک مرکزی در ایران، سقف خط فقر ۱۴۰ هزار تومان است. و بر اساس تحقیقات و خارج از آمار و اسناد رسمی جمهوری اسلامی خط فقر را تا حدود ۲۰۰ هزار تومان هم

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ایسکرا

می پرسد؟



رحمان حسین زاده

ایسکرا: اطلاعیه‌های کمیته کردستان نشان میدهد که به مناسبت ۸ مارس (۱۷ اسفند) روز جهانی زن تحرک خوبی در شهرهای کردستان وجود داشته است. ارزیابی شما چیست؟

رحمان حسین زاده: جنب و جوش امسال در گرامیداشت روز جهانی زن با سالهای گذشته قابل مقایسه نیست و گسترده تر و متنوع تر بود. تا جاییکه اخبار آن به دست ما رسیده در شهرهای سنندج، سقز، بوکان، کامیاران، مریوان، اشنویه با ابتکارات مختلف این روز را گرامی داشتند. طبعاً مرکز این تحرک شهر سنندج بود که در تظاهرات هزار نفره و برپایی مراسم علنی و با دور انداختن روسری و سوزاندن چادر اسلامی و شعارهای رادیکال ابراز وجود کرد. در شهرهای دیگر با شعار نویسی و پخش تراکت و شیرینی و برپایی مراسمهای کوچکتر در محلات مختلف

شهر روز ۸ مارس را ارج نهادند. صرفنظر از ابعاد کمی و کیفی اقدامات انجام شده، نکته قابل توجه اینست که مجموعه این ابتکارات توجه به روز جهانی زن و مسئله برابری زن و مرد و مبارزه علیه تبعیض علیه زنان را در جامعه طرح و جلب کرد. کمونیسم کارگری را به عنوان نیروی جدی مدافع رهایی زنان معرفی نمود. همین جا لازمست اشاره کنم که ابتکارات و اقدامات صورت گرفته در شهرها انطباق خوبی با رهنمودها و سیاستهای اعلام شده حزب ما در برخورد به ۸ مارس امسال داشت. تظاهرات و تجمعهایی که صورت گرفت، صحبتها و شعارهایی که طرح شدند، پوشش اسلامی که دورانداخته شده و یا سوزانده

شدند، جزو انتظارات ما و توقعاتی بود که در کمپین فشرده حزب به مناسبت ۸ مارس از رادیو و نشریات و تبلیغات ما هم طرح شدند. من فکر میکنم فراخوانهای ما اثرات خوبی داشته‌اند. تحرک امسال در ۸ مارس را هنوز باید به عنوان سر فصل جدیدی در دامن زدن به جنبش وسیع برابری طلبی زن و مرد و به میدان کشاندن این جنبش اجتماعی گسترده و رادیکال نگرینست. اعتراض زنان به موقعیت فرودستان بسیار عمیق تر و گسترده تر است. زمینه های به میدان آمدن جنبش آزادیخواهانه رهایی زنان بسیار فراهم تر است که هنوز در ایران و در شهرهای کردستان مجال ابراز وجود واقعی خود را پیدا نکرده است. ابراز وجود امسال در ۸ مارس گامی به جلو، اما هنوز با موقعیت قدرتمند جنبش آزادیخواهانه زنان انطباق لازم را ندارد. واضح است در شرایط کنونی حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی و زن ستیزی این رژیم و قوانین و موازین ارتجاعی و مذهبی و اختناق و استبداد حاکم مانع اول و سنت و فرهنگ مرد

سالارانه و ناسیونالیستی و عقب مانده عامل مهم دیگری بر سر راه جنبش برابری طلبانه و رادیکال زنان است. کنار زدن این موانع و پیشروی جنبش برابری طلبانه رادیکال به هم گره خورده و مبارزه جدی را میطلبد. کمونیسم کارگری و حزب ما در صف مقدم این مبارزه است.

ایسکرا: برپایی جشنها و تجمعهای وسیع اعتراضی علیه جمهوری اسلامی به مناسبت چهارشنبه سوری در این ابعاد بیسابقه بود؟ این واقعه را چگونه توضیح میدهید؟

رحمان حسین زاده: در نگاه اول تصمیم جمعی توده وسیع مردم را به برپایی یک روز شاد و زنده و به دور از هر نوع تحمیلات دو دهه حاکمیت جمهوری اسلامی و مذهب را میتوان مشاهده کرد. عطش این مردم و بویژه نسل جوان به شادی و خوشی و خنده و موزیک و رقص و پایکوبی و آتش بازی بسیار قابل درک است. دو دهه حاکمیت اسلام و مذهب همین داده‌های اولیه زندگی را از عموم مردم سلب نموده است، که از هر فرصتی برای جبران آن و علیه جمهوری

اسلامی به میدان می‌آیند. چهارشنبه سوری امسال خود فرصت خوبی برای این امر بود. اما در پس جشن و سرور و تحرک بیسابقه چهارشنبه سوری، عزم و اراده مصمم توده وسیع مردم برای به گور سپردن جمهوری اسلامی نهفته است. در بطن این واقعه تناسب قوای مساعد و تغییر یافته به نفع مبارزه جویی مردم و سرنوشتی رژیم اسلامی را میتوان مشاهده کرد، دوران آغاز تعرض علنی و آشکار مردم به نیروهای نظامی و مزدوران مسلح به مشابه "نیروهای امید آخر" نجات نظام و ولایت و رهبر و اسلام را میتوان دید. تحرک مبارزاتی سه روز قبل چهارشنبه سوری فصل دیگری و تناسب قوای دیگری را به نفع مبارزه جویی مردم ثبت کرد. شواهد نشان میدهد که تحرک چهارشنبه سوری پیش درآمد، تحرک اعتراضی بسیار گسترده‌تر و جشنی بسیار وسیع تر در نوروز و در آغاز سال نو خواهد بود. ترفندهای گوناگون رژیم برای مقابله با مردم در نوروز امسال فایده ندارد.



است. برپایی مجمع عمومی در مراکز تولیدی و مراکز کار و اعلام آن به مردم شهر با توجه به وضعیت سیاسی و مبارزاتی موجود در ایران، از حمایت کل مزدبگیران و زحمتکشان جامعه ایران برخوردار میشود و مورد استقبال و پشتیبانی آنها قرار خواهد گرفت.

برپایی مجمع عمومی و تصمیم به مطالبه افزایش دستمزدها باید با قاطعیت تمام جلو آید خانه کارگر را که با ۷۰ و ۹۰ هزار تومان می‌خواهند کارگران را در سقف پائینتر از خط فقر قرار دهند، و مبارزات آنها را سد و به رکورد بکشاند، بایستد.

افزایش ده برابری دستمزدها، پرداخت فوری دستمزدهای معوقه، بیمه بیکاری مکفی برای همه بیکاران مطالبه فوری سراسری و همین امروز همه کارگران در ایران است.

زنده باد جنبش مجمع عمومی برای افزایش دستمزدها مرگ بر جمهوری اسلامی



ویژه ریاست جمهوری پول به حساب کارخانه واریز کنند، و به برخی از خواسته‌های کارگری رسیدگی کنند. اعتصاب و تحصن کارگران حفاری نفت، دولت (مشخصاً وزیر نفت) و مجلس (از طریق کمیسیون انرژی)

را وادار کرد که طرح اخراج وسیع کارگران را علی‌الحساب منتفی اعلام کنند. و اعتصاب، تظاهرات و بستن جاده «جاده پیر عبور ساری- قائم شهر» کارگران بیکار و شاغل نساجی طبرستان در قائم شهر، شورای عالی کار را مجبور کرد که فوراً بیمه بیکاری تا تابستان سال ۸۰ را به کارگران تصویب و پرداخت کنند. این حرکات به همه اعلام کرد که راه مبارزه با فلاکت و فقر و بیکاری در ایران راه حل فوری و عملی دارد.

اکنون با شروع سال نو مبارزه برای افزایش دستمزدها و تعیین دستمزدها با برپایی مجامع عمومی کارگران در شرایطی که انزجار و نارضایتی از جمهوری اسلامی در میان میلیونها نفر از مردم ایران موج میزند، موضوعیت مبرمتری بخود گرفته

عظیمی از کارگران ایران را به پرتگاه نابودی و تحمیل زندگی زیر خط فقر رانده است. کارگران! خانواده‌های کارگری! اقدام فوری افزایش دستمزدها و راه مقابله فوری با فلاکت است!

در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران در اوج نابسامانی سیاسی و اقتصادی است، و زیر ضربات روزانه و دائمی مبارزات مردم و کارگران قرار گرفته است، تحمیل مطالبات کارگری و از جمله افزایش دستمزدها و پرداخت حقوق و مزایای به تعویق افتاده امری ممکن و قابل دسترس است. در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ کارگران بخشهای مختلف تولیدی با تحمیل مطالبات فوری رژیم جمهوری اسلامی را به عقب راندند. در ماه نوامبر سال ۲۰۰۰، مبارزات کارگران "چیت بهشهر" که به مبارزات سراسری در شهر بهشهر تبدیل شد، سران و کارفرمایان جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی کرد. "بحران چیت بهشهر" دولت را مجبور کرد که از حساب

درآمدها قرار گرفته است. این یعنی اینکه کارگران باید دو شیفته و بیشتر کار کنند تا تامین زندگی را به حد سقف خط فقر برسانند! جمهوری اسلامی آشکارا و علناً توده

حداقل دستمزد...

تعریف کرده‌اند. حداقل دستمزد روزانه در ماه ۵۷ هزار تومان هنوز تا رسیدن به خط فقر در موقعیت پائینتری از نصف

نوروزتان پیروز...

دخالت کنند کتک می‌خورند، ضرر میکنند. با دخالت رژیم این اجتماعات سیاسی میشود و مستقیماً علیه ج.ا تبدیل میگردد. در این صورت ترجیح میدهد دخالت نکند. پس شرط اینکه چهارشنبه سوری و نوروز امسال مردم جشن بگیرند، آتش بازی کنند، برقصند، آواز بخوانند، بخندند و شادی کنند این است که تجمعهای بزرگ تشکیل شود.

۲_ اجازه دخالت به هیچیک از عوامل و انصار و همکار رژیم در جشنها و مراسم داده نشود. ناسیونالیستهای کرد، ۲ خردادها و مجیز گوینان ج.ا در این روزها لباس عوض میکنند و به نام فرهنگ و سنت ایرانی و کردی می‌آیند و تلاش میکنند با سخنرانی و



عاقبت جماعت انشعابی از کومه له



صلاح ابراندوست
jilvan@home.com

۱۰ سال قبل و بعد از جدایی جریان کمونیسم کارگری، جریان ما به روشنی نشان داد و گفت که خط و سیاست عبدالله مهتدی ضد کمونیستی، ناسیونالیستی و بغایت ارتجاعی است. ما در آن مقطع گفتیم این "فرمایشاتی" که به قلم این آدم رو به بیرون نوشته میشود از مالیخولیایی بودنش نیست بلکه، اولاً عمدتاً ترکیدن عقده های شخصی و حقیر چندین ساله اش و در ثانی تواریت از گذشته چپ و اظهار ندامت در بارگاه ناسیونالیسم کرد است و گفتیم که دیر یا زود این را در پراتیک و عملکرد سازمانی و شخصیش خواهیم دید.

این پیش بینی ها در اوت ۲۰۰۰ به درستی در مقابل چشم همگان قرار گرفت. عبدالله مهتدی و شرکایش طی یک سلسله کشمکش درون تشکیلاتی، کودتا، و بالاخره با ارشادات و "خردمندی" رهبر "معظمشان امام جلال"، به اهداف آنتی کمونیستی و ناسیونالیستی خویش جامه تشکیلات "کومه له زحمتکشان" را پوشاندند.

در همان موقع گفتیم که پروژ سخیف این عالیجنابان استفاده سیاسی از نام سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران بوده و میخواهند این سرمایه سیاسی را دستمایه معاملاتشان با احزاب ناسیونالیست و دوم خردادی ها قرار دهند. آنها به خوبی میدانستند که به عنوان شخصیتهای شکست خورده و مفلوک سیاسی در ۲ دهه گذشته در جامعه کردستان راه به جایی نخواهند برد مگر اینکه از خاطره کومه له شریف و خوشنام گذشته استفاده کرده و خود را به نام این سازمان قالب کنند. این جماعت هیچ موقع رسماً نگفتند و نشان ندادند تا کجا و تا چه مقطعی از کومه له عقب خواهند رفت، و با کدام

دوره کومه له خود را تداومی میکنند؟ از جمله مقطع بنیانگذاری کومه له، مقطع اعلام موجودیت، مقطع مبارزه با پوپولیسم، کنگره اول، کنگره دوم، کنگره سوم، مقطع تشکیل حزب کمونیست ایران و ... بالاخره تا کجا؟؟؟؟ این یک حقه بازی و شارلاتانیسم سیاسی است، نمیخواهند مقطع تعیین کنند به این دلیل که از کنگره دوم سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران به بعد نشان خط و سیاست اتحاد مبارزان کمونیست را در کومه له خواهی دید و این سیاستهای کمونیستی اتحاد مبارزان کمونیست بود که کومه له را روز به روز چپ تر و توده ای تر و محبوبتر نمود. این سیاستها بود که صفوف کومه له زحمتکشان را به صفوف کمونیستهای آگاه و مسلح به مارکسیسم تبدیل نمود. از قبل و بویژه از مقطع انشعابشان این آقایان آنچه در توانشان بود به کار بردند، دست به دامان شیخ، مرتجع محلی، ورشکستگان سیاسی محافل خارج کشور، ضد کمونیستهای با سابقه، ناسیونالیستهای وامانده و بریده از حزب دمکرات و کومه له، کسانی که به خون کمونیستها تشنه بودند و بالاخره خواننده های محلی ناسیونالیست و مرتجع کرد امثال ناصر رزازی شدند. بلندگو به دستشان دادند تا پروژه تولد این ارتجاع نو را در کردستان یا هدایت ایلخانی زاده - مهتدی در روز کومه له و با دهل و سرنا به همگان اعلام کنند. این "طیف وسیع" >آ< در صحنه را در خارج کشور ما، شما و همگان میشناسیم. بیابید و منصفانه از این شرکت کنندگانتان در مورد کمونیسم و سوسیالیسم بپرسید و نظراتشان را جویا شوید، خود شما را "محترمانه" از مراسم

رقص و پایکوبی ای که لطف کرده و برایشان فراهم نموده اید بیرون خواهند انداخت، به ریشتان خواهند خندید و برایتان زنده باد "کرد و کردستان" را سرخواهند داد. در مراسم استکهلم تان و موقعی که سرودانترناسیونال نواخته میشود، اکثریت شرکت کنندگان گفته بودند که این (مزخرفات) چیه که گذاشته اند و انتظار سرود(ای رقیب) را از شما داشتند. مردم واقعی هستند و شما را میبینند، این شماستید که به مثابه کبک سر در برف فرو برده اید. به درجه ای که شما ریسک کنید و کلمات کمونیسم، سوسیالیسم و کارگر را برای تحمیق و فریبکاری جهت جلب طیفی از جامعه بکار گیرید به همان درجه طیف اصلی مورد نظرتان که امروز رونق دهنده مراسمهایتان هستند از شما خواهند برید. اگر غیر از کردیه تی و دهل و سرنا به آنها ارائه دهید، به ریشتان خواهند خندید. هر جایی هم بخواهید جلسه سیاسی و سخنرانی بگذارید، کسی برایتان تره خورد نخواهد کرد و به جلسه تان نخواهد آمد. دقیقاً به این دلیل که در رجعت به گذشته و تمکین به عقب ماندگی ناسیونالیسم چیز تازه ای ندارید (نمونه تیپیک آن، جلسه سخنرانی آقای ابوبکر مدرسی از مسئولین این جریان در تورونتو کانادا است که علیرغم تبلیغات و سرمایه گذاری زیاد فقط ۲۳ نفر شرکت کننده داشت). در هر حال من شما را به این دعوت میکنم که شهادت سیاسی داشته باشید، جلسات بگذارید، اگر حرفی دارید بزنید(که بعید است!!)، بگذارید ازتان سؤال کنند(وقت کافی بگذارید، نه مثل تورونتو کانادا که کسی اساساً حق سؤال کردن از ابوبکر مدرسی را نداشت)، نترسید، جواب بدهید. بگذارید همگی بدانند چی در چنته دارید. و اما شما کسانی را کم دارید، یا در واقع آنها شما را کم دارند. برای هرچه توده ای تر شدنتان و اینکه از قافله بیشتر عقب نمائید، به بها ادب در سندنجد، به اسماعیل ططری(نماینده کرمانشاه در

مجلس و سردمدار فراکسیون کردها در مجلس) و کلاً "نمایندگان مناطق کرد نشین در مجلس" پیام بفرستید(اگر تا حال نکرده اید)، به کدخداها و کارچاق کنه های محلی در کردستان که آماج و نوک حمله کومه له راد یکال گذشته در کردستان بودند، به کارفرمای کوره پزخانه ها در مهاباد، میاندوآب و بوکان پیام بفرستید، به مریدان مفتی زاده، به اعوان و انصار ملا ربیعی در کرمانشاه و... خبر دهید. باور کنید دکانی که شما دایر کرده اید، این مشتریان خواهان بود(یا دکانی که آنها دایر کرده اند شما بهترین مشتری آن خواهید بود، فرقی در معامله نخواهد کرد، مسئله مهم شناخت این امر مهم و حیاتی است!!).

دل و جرات داشته باشید و از این نگران نباشید(که فکر میکنم نیستید) که نزد جوانانی که از هر فرصتی جهت تضعیف و ضربه زدن به جمهوری اسلامی استفاده کرده و خواهان جامعه ای سکولار، مدرن و آزاد هستند، عقب گرد شما و پناه بردنتان به ناسیونالیسم و ارتجاع محلی در کردستان، محلی از اعراب نخواهد داشت. برای جوانانی که آموزش در سطح عالی و رایگان کمترین خواست آنهاست، یک هفته کردی صحبت کردن(اشاره به پیام کمیته مرکزی این جریان در رابطه با گشایش مدارس) تنها و تنها به جوک بیمزه ای شبیه است. مطرح کردن این نوع خواسته های نازل توهین به جوانان است، این نشان بی مایگی خودتان است سرسوزنی به مبارزه دانش آموزان و جوانان ربطی ندارد. "حال که در فضای "کاملاً دوستانه" با حزب دمکرات نشست و برخاست دارید، کارگران کوره پزخانه ها، کارگران کارگاههای صنعتی، زحمتکشان مصادره کننده زمین اربابان در کردستان شما را بغل دست و یار و یاور حزب دمکرات قرار خواهند دید، دقیقاً به این دلیل که همکاری و توطئه کارفرماها و فئودالها و حزب دمکرات را هنوز از یاد نبرده اند. رفیق مبارز و کمونیست سلیمان محمدی در ۲ شهریور ۱۳۶۵

در مقابله با سیاست آن مقطع حزب دمکرات (که امروز شما به آن سیاست ملحق شده اید) جان خود را از دست داد.

نمیتوانید در مقابل جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی زنان قرار گیرید، از شما بهترانش را به زیاله دان تاریخ سپردند.

به مرتجعین محلی امید بسته اید، از زانیان باد. ولی اینرا این را هم در محاسبات خودتان بگنجانید که آنها شما را به مشابه کسانی میشناسند که شخصیتهای درجه دوم و بازنده های مکرر روندهای سیاسی در دو دهه اخیر بوده و برایشان قابل اعتماد نیستید، مقبولتر و با سابقه تر از شما سالهاست در دسترسشان بوده است. نوسانات فکری شما، تئوریهای شرمگینانه و گام به گامتان از شما تصویر اپورتونیستهای کاسبکار در جامعه را ارائه میدهد.

دهل و سرنا و افکار ناسیونالیستی تان را صیقل دهید، ملت کرد مدتهاست چنین ناجیبانی نداشته و مثل اینکه منتظر ظهورتان است.



دور تازه ای از تحرك کارگران

حزب کمونیست کارگری ایران با صدور اطلاعیه های مختلفی اخبار مبارزات و اعتصابات و راهپیمایی کارگران کارخانه های مختلف در سطح ایران را منتشر ساخته است. ۱۰ روز پس از راهپیمایی کارگران کارخانه سیمین اصفهان، روز سه شنبه ۲۳ اسفند کارگران کارخانه شهناز(بافکار) اصفهان نیز از کارخانه بیرون آمدند و بعد از یک راهپیمایی در خیابان چهارباغ اصفهان جمع شدند و خیابان را بند آوردند. یک ماه حقوق کارگران به آنها پرداخت نشده است، عیدی و مبلغی که ۲۲ بهمین باید به کارگران میدادند، سهمیه پارچه و ۱۵ در صد اضافه کارگران بیکار شده را هنوز ندادند. اعتراض کارگران در مقابل



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

بمباران شیمیایی حلبجه، مردم کردستان در چنبره ارتجاع منطقه

ایرج فرزاد

روزهای ۵شنبه و جمعه ۱۷ و ۱۸ مارس ۱۹۸۸، شهر حلبجه در کردستان عراق مورد حمله بمباران شیمیایی رژیم بعث عراق قرار گرفت. ۵ هزار نفر از ساکنین این شهر از کوچک و بزرگ و پیر و جوان در لحظات کوتاهی به وضع فجیعی کشته شدند. صحنه‌های این جنایت ضدبشری به اندازه‌ای تکان دهنده اند که صرف دیدن آنها، فقط نفرت عظیمی را از عاملان این جنایت هولناک را به هر کسی که اندک شرف انسانی داشته باشد، دامن میزند. این کارنامه ننگین و

این برکهای سیاه تاریخ فاشیسم بعث را باید بارها و بارها در ذهن مردم زنده نگاه داشت. یاد و خاطره هزاران پیر و جوان و کودک و دختر و پسر را که قربانی یکی از شنیع‌ترین وحشیگریهای رژیم بعث شدند، گرامی می‌داریم و صمیمانه به بازماندگان، دوستان و خانواده این عزیزان تسلیت می‌گوییم. رژیم جمهوری اسلامی مسبب دیگر این جنایت است، چرا که بمباران شیمیایی حلبجه درست در ادامه جنگ رژیم اسلامی و فاشیستهای بعثی اتفاق افتاد، نیروهای ارتش و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی نقشه تصرف حلبجه را در دستور

داشتند و بنا به ماهیت ضد مردمیشان در محاسبات آنها سرنوشت این مردم و عواقب مصیبت بار آن یک ذره جایگاه نداشت و به همین دلیل بر نقشه خود «آ» و قربانی کردن ۵۰۰۰ انسان بی دفاع پای فشرده. سران دو رژیم فاشیستی بعث و جنایتکاران جمهوری اسلامی را باید بعنوان جنایتکاران جنگی و مسببین بمباران شیمیایی حلبجه به دادگاه سپرد.

احزاب ناسیونالیست کردستان عراق و در راس آنها اتحادیه میهنی که پیشقراول نیروهای رژیم اسلامی بودند، عملاً آتش بیار معرکه بودند و با وعده رسیدن به مقام کدخدائی در راستای این جنایت

کنندگان با چوب و سنگ تعرض آنها را به عقب راندند و شعارهای "زنده باد آزادی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، مرگ بر جمهوری اسلامی و آزادی آزادی را سر دادند، جمعیتی در حدود ۴۰۰۰ نفر بیش از یکساعت در خیابان فردوسی با نیروهای انتظامی در گیر بودند. علیه رژیم شعار میدادند و با سنگ و چوب، تعرض با باتوم نیروهای مزدور را جواب دادند. مردم زیادی در ارتفاعات آیدر آتش روشن کردند و در شهر مردم پنجره اطاقهای خود را باز کرده و با پخش موزیک شاد از استریوهای رژیم عزا و سیاه پوشی تنگ کردند. عصر روز سه شنبه شهر مشهد در کنترل کامل جوانان در آمد و در تهران مردم و جوانان با شعار مرگ بر استبداد، مرگ بر ولایت فقیه خیابانها را غرق در شادی کردند و علیه رژیم حمله اوپاش رژیم، به حضور خود در صحنه ادامه دادند و با مزدوران درگیر شدند. در مه‌آباد از ساعت ۳ بعد از ظهر مردم و جوانان به خیابانها و محلات آمدند، رقص و شادی را شروع کردند. در چهار راه آزادی جوانان مزدوران مسلح را وادار به ترک محل می‌کنند. "زندانی سیاسی آزاد باید گردد و آزادی آزادی" شعار تظاهر کنندگان بود. بعد از مدتی سرکوبگران رژیم تجدید قوا کرده و به تجمع مردم حمله می‌کنند، جوانان با سنگ و چوب به مقابله می‌پردازند. نیروهای رژیم گاز اشک آور پرتاب می‌کنند و شروع به تیراندازی می‌کنند. در این جریان تعدادی زخمی و تعدادی دستگیر شده‌اند. در محلات شهر آتش بازی و تجمع شاد مردم ادامه پیدا کرد.

کارگران تسلیم شد و کارگران با موفقیت به اعتصاب خود پایان دادند. طبق گزارش دیگری کارگران کارخانه احیا ۲ وابسته به صنایع فولاد اهواز از روز ۲۲ اسفند دست به اعتصاب زدند و تولید کارخانه را متوقف کردند. خواست کارگران پرداخت حقوق معوقه و عیدی است.

حزب کمونیست کارگری ایران، از طریق رادیو انترناسیونال مردم ایران را به حمایت و پشتیبانی از مطالبات کارگران و اعتراض آنها فراخوان داده است و در سطح بین‌المللی کمپینی را به منظور جلب همبستگی تشکلهای و اتحادیه‌های کارگری از مبارزات کارگران ایران راه انداخته است. ■

تحریک کارگران ۰۰۰ این اجحافات صورت گرفت. نیروهای انتظامی در محل حاضر شدند، اما جرات نکردند به کارگران حمله کنند. کارگران تهدید کرده‌اند چنانچه تا روز شنبه ۲۷ اسفند خواسته‌های آنها برآورده نشود، به خیابان خواهند آمد. کارگران سیمین موفق شدند با اعتراضات مستمر خود ۱۰ درصد دیگر به ۱۵ درصد قبلی اضافه دستمزدشان اضافه کنند. طبق گزارش دیگری از حزب کمونیست کارگری کارگران شرکت گاز دماوند در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد و عیدی از روز ۲۰ اسفند (۱۰ مارس) دست به اعتصاب زدند و سرانجام کارفرما در برابر صف متحد و یکپارچه

گوشه‌هایی از ابراز قدرت مردم در مراسم چهارشنبه سوری

بعد از ظهر و غروب سه شنبه ۲۳ اسفند شهرهای ایران شاهد جشن و سرور و آتش بازی مردم و جوانان و تقابل آنها با مزدوران جمهوری اسلامی بود. همگام با این تحرک سراسری، مردم در مارشی عظیم در شهرهای تهران، رشت، مشهد، مسجد سلیمان، آبادان، شیراز، اصفهان، میانه، تبریز، سنندج، مهاباد، بوکان، سقز، مریوان، پانه، سردشت، پاوه و... به خیابانها آمدند.

در سنندج مردم متنفر از جمهوری اسلامی و حاکمیت مذهبی به آماده باش از قبل نیروهای

آوارگی و بی حقوقی مردم کردستان عراق‌اند، در دخالت در زندگی مردم کاملاً باز گذاشته‌اند.

هولناک قرار گرفتند. اکنون و پس از ۱۳ سال از این جنایت و قتل عام فاشیستی، باندهای ناسیونالیست کردستان عراق برای "حلبجه شهید" اشک تسماح می‌ریزند! همینها بودند که سه سال بعد معمار و سازمانده این جنایت هولناک - صدام حسین - را در آغوش گرفتند و بر چهره او بوسه زدند. حتی اکنون هم نهایت آمال خود را تشکیل یک رژیم فدرالی با شرکت و ریاست صدام حسین و بعث عراق تعریف کرده‌اند. اینها هنوز هم که هنوز است دست رژیمهای ایران و عراق و ترکیه را که بانی و مسبب مصیبتها،

طبق آخرین اخبار روز ۲۴ اسفند در شهر بوکان مردم و جوانان به رقص و پایکوبی ادامه دادند. مردم در میدان فرمانداری و منطقه بیمارستان که از مراکز اصلی شهراند، تجمع کردند. تظاهرات کنندگان با صدای بلند شعار میدادند "آزادی، آزادی، سال تازه، سال شادی، سال تازه، سال شادی" و ساکنین خانه‌های اطراف از پشت بامهای خود به نشانه همبستگی ترقه به طرف نیروهای انتظامی پرتاب می‌کردند. هر لحظه بر میزان نیروهای رژیم افزوده میشد و تلاش می‌کردند تعداد هر چه بیشتری از مردم را دستگیر کنند. مردم در مقابل آنان ایستاده و چند بار جوانان دستگیر شده را از چنگ آنان در آوردند. روز پنجشنبه ۲۵ اسفند تمام شهر عملاً حکومت نظامی بود. نیروهای رژیم تلاش کردند به خانه‌گردی و دستگیری ادامه دهند که با اعتراض مردم روبرو شدند.

نظامی موفق به جلوگیری از تجمع مردم در میدان هلو شد. بر اساس خبری که روز پنجشنبه ۲۵ اسفند (۱۵ مارس) به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری رسیده است، بدنبال مراسم جشن و شادی مردم، در شب چهارشنبه سوری که به یک نمایش عظیم اعتراضی بر علیه جمهوری اسلامی تبدیل شد، حدود ۸۰۰ نفر از مردم شهر سنندج بوسیله نیروهای رژیم در محلات مختلف این شهر بازداشت شده اند.

خانواده های زندانیان برای مطلع شدن از سر نوشت بستگان خود درمقابل دادگاه انقلاب و بالای باشگاه شهر سنندج تجمع کردند. رژیم اسلامی روزهای چهارشنبه و پنجشنبه در مقابل اعتراض مردم مجبور به آزاد کردن تعدادی از دستگیر شدگان شده است. اما اکثر دستگیرشدگان هنوز در بازداشتگاههای رژیم به سر می‌برند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری این اقدام سرکوبگرانه جمهوری اسلامی را محکوم نموده و از همه مردم آزاده و معترض ایران و شهر سنندج می‌خواهد که در اعتراضات و مبارزات جاری خود خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان شهر سنندج و دیگر شهرهای ایران شوند.



کمیته کردستان

رحمان حسین زاده، دبیر کمیته ۰۰۴۶ ۷۳۹ ۸۵۵ ۸۳۷

Email: r_hoseinzadeh@yahoo.com

Fax: 0044 870 133 7209